

۱۲ اوت بی بی سی بخش فارسی، در مورد عکس العمل دولت انگلیس در مقابل اعترافات سکینه آشتیانی تحت شکنجه نوشت که، سخنگوی وزارت امور خارجه بریتانیا گفته است که: "بین اعترافات سکینه محمدی آشتیانی که ۱۱ اوت از تلویزیون ایران پخش شد، بسیار ناخوشایند است و ما از ادعای وکیل او مبنی بر اینکه این اعترافات بر اثر شکنجه بوده است، عمیقاً نگران هستیم." همچنین "وزارت امور خارجه بریتانیا در این بیانیه از مقامات ایران خواسته است تا پرونده خاتم آشتیانی را به طور کامل بررسی کنند و به تعهدات بین المللی حقوق بشر که آن را امضا کرده اند، پایبند باشند."

اما برای اندازه گیری میزان ناخوشایندی وزارت خارجه بریتانیا و جیتش در پایبندی به تعهدات بین المللی حقوق بشر، از ایران به بریتانیا، مهد دمکراسی و حقوق بشر، نقبی بزنیم.

تقریباً همزمان با پخش خبر شکنجه سکینه آشتیانی، ۱۵ اوت تلویزیون بی بی سی انگلیسی در برنامه صبحگاهی خود میزگردی داشت در مورد شکنجه و اعتراف بگیری. این میزگرد در مورد ایران و کشورهایی که سنت شکنجه و شهادت علیه خود، بخشی از دستگاه قضایی و



یارانه ها و گروه گرفتن نان مردم

تخصیصی از مصاحبه رادیو پرتو با خالد حاج محمدی

رادیو پرتو: قطع سوبسید نان از طرف دولت جمهوری اسلامی به گرمترین مباحث جامعه تبدیل شده است. به طور واقعی در کل آن جامعه نه مسئله راه اندازی پر سروصدای تاسیسات اتمی پوشهر و یا آزمایش موشکهای نظامی دوربرد ساخت سپاه آن طور که دولت می خواهد، بلکه قیمت نان است که مشغله اصلی جامعه است. خبرهای ضد و نقیض در مورد سوبسیدها و شروع پرداخت یارانه ها تمامی ندارد و به طور موازی اما قیمت نان هر روز و هر روز گرانتر می شود. در این مورد با خالد حاج محمدی گفتگویی را ترتیب داده ایم. اولین سوال این است که گفته می شود اول مهر سوبسیدها قطع خواهد شد و دولت در این

کارگران جهان متحد شوید!

مورد قاطعیت دارد و برنامه اش را روشن کرده است، همزمان وزیر بغل دستی اظهار بی اطلاعی میکند این رفت و برگشت ها به چه معنی است؟

خالد حاج محمدی: دولت می خواهد تأثیرات و عواقب این برنامه را در جامعه بسنجد، مسئله قطع سوبسیدها معضل جدی و فشار عظیمی روی معیشت بخش اعظم مردم، خصوصاً طبقه کارگر و اقشار پائین جامعه دارد. در نتیجه همه این رفت و برگشتها و فعلا از نان شروع میکنیم و بعد بنزین و غیره و پروسه ای که گذاشته اند، دلیل آن نگرانی آنها از انعکاس و بازتاب قطع سوبسیدها در جامعه است. مردم ناراضی هستند، بخش اعظم طبقه کارگر و اقشار کم درآمد زیر خط فقرند. حقوق روزانه آنها پرداخت نمیشود، و معنی عملی قطع سوبسیدها ویرانی و فقر و محرومیت بیشتر برای این بخش است. در نتیجه میخواهند بدانند عواقب این طرح چه است و چه مشکلاتی را برایشان ایجاد میکند که از قبل آماده باشند و ذهنیت مردم را آماده کرده و مردم

مواد غذایی و پیامهای بسیاری از حفره کوچکی به قطر ۶۸ سانتیمتر که به محل حبس این کارگران میرسد، تنها روزنه امید آنهاست. در میان پیامها یکی هم این است که چهار ماه طول خواهد کشید تا آنها را از این وضعیت نجات یابند!

۴ ماه باید ۳۳ کارگر معدن طلا با مرگ دست و پنجه نرم کنند که شاید این بار هم زنده بمانند. طبقه کارگر شیلی، تولید کنندگان طلا و ثروت و پول باید چشم به انتظار باشند و در ترس و دلهره و اضطراب منتظر بمانند. اما آنچه امروز عیان است، بی ارزشی صاحبان اصلی و تولیدکنندگان طلا، نزد کارفرمایان و

هفته قبل زنی از مناطق "قلنس"، جایی که نیروهای طالبان حکمرانی میکنند بعد از دوپست ضربه شلاق در ملا عم اعدام گردید. به همراه او کودک هفت ماهه ای که هرگز پا به دنیای جهنمی افغانستان نگذاشت، به قتل رسید. این زن به اتهام باردار شدن از مردی که به او وعده از نواج داده بود محکوم به مرگ بود. نیروهای طالبان در این ۹ ساله از غیبت قانونی اش همواره و هر کجا که قدرت داشته به انبیت و آزار زنان پرداخته اند. از جمله در یکی از حملاتشان در سال گذشته، عایشه، دختر جوان هژده ساله ای که از خانه شوهرش فرار کرده بود، را از خانه بیرون کشیده و او را تحویل همسر و بردار شوهرش داده اند. از شوهر عایشه خواستند تا جلو چشمان آنها هر بلائی که میخواهند بر سر عایشه بیاورند. سپس شوهر عایشه به همراه بردارش بیرحمته گوش و دماغ او را برینند.

مصفی رشیدی
از وین تا وین، از اوباما تا اسانلو
صفحه ۴

نظریه معماری

در اعماق معدن، در انتظار زندگی

معدن مس و طلا در سن خوزه کشور شیلی بیش از ۲۰ روز است ۳۳ کارگر را در ۷۰۰ متری عمق زمین حبس کرده است. معدن سن خوزه این روزها در اضطراب و اشک و دعا غرق است. کارگران این شانس را داشتند که سنگی که سقوط کرده و راه آنها را مسدود کرده است، مستقیماً بر سرشان فرود نیامده است.



بازگشت طالبان بازگشت جهنم زنان

در افغانستان! هلاله طاهری

یک زن و مرد جوان به نامهای صدیقه و عبدالقیوم که گفته میشود خارج از ازدواج با هم رابطه داشته اند به دست نیروهای طالبان در بازار قندوز، منطقه ای در شمال غربی افغانستان در انتظار عمومی بطرز وحشیانه ای سنگسار شدند. یکی از فرماندهان جنایتکار این گروه به نام مولوی امام الدین که حکم این سنگسار را صادر کرده بود در جواب خبرنگار ایشپیکل آلمان گفته است: "ما به مردم منطقه درس دادیم. آنها دیگر میانند که چه بر سرشان میاید اگر بخواهند مخالف قوانین قرآن عمل کنند." به فاصله یک

ظفرمندان جنگ سرد و ...

میشود.

سرنوشت سکینه آشتیانی که زندگی اش "عدالت" است، نبود. میزگرد بی بی سی با شرکت یکی از زندانیان زندان ابوغریب، که تحت شکنجه به شکنجه در نوسان است، در مقابل عضویتش در "القاعده" شهادت داده بود و بعد بی گناهی او محرز شده بود، یک مقام امنیتی و تعدادی "صاحب برد آورده، و موجی از انزجار و نظر" برگزار شد. موضوع میزگرد نفرت از جانیان حاکم بر ایران را بررسی عادلانه بودن یا نبودن شکنجه برانگیخته است. هنوز جمهوری زندانیان زندان ابوغریب و موارد اسلامی جرات نکرده است اعتراف مشابهی بود که دولت بریتانیا و آمریکا گیری تحت شکنجه را تأیید کند، و از در بازجویی های سیاسی، حتی از ذهن معیوب هیچ بیماری تصور اینکه کودک ۱۵ ساله، زیر شکنجه اعتراف در مورد حقیقت و عدم حقیقت شکنجه گرفته بودند. طی این میزگرد، موافقین و اعتراف گیری زیر شکنجه او یک و مخالفین شکنجه، توضیحاتی دادند. برنامه همه پرسشی به راه انداخت، در پاسخ به متعرضین به شکنجه و در ترواوش نمی شود. در ایران تلاش مقابل این استدلال متوهمین به می کنند سکینه آشتیانی را، نه با همه دمکراسی که "خوب اگر شکنجه برای پرسشی و "جلب رضایت افکار عمومی" دول غربی قابل توجیه است پس فرق که به زور سرکوب پلیسی و نظامی و آنها با تروریست ها چی است و جوهر به تسلیم کشاندن میلیونها متعرض دمکراتیک دول غربی و حقوق بشر قربانی کنند. در ایران و جوامع غیر کجا می رود"، شخصیت عالی مقام غربی، این تنها راه نقض حقوق بشر امنیتی در کمال خونسردی اعلام کرد است.

که بکارگیری تکنیک های پیشرفته برای نقض حقوق بشر در کشورهای کشف اسرار از زندانی مجاز است! این غربی و دمکراسی غرب اما، بر متن ربطی به دمکراسی ندارد! اگر دول غربی احساس نا امنی کنند مجازند به به یمن دورنگاه داشتن مردم از دخالت هر طریق امنیتی خود را حفظ و از مستقیم در سیاست، لگامی نیست. جهان جمله به شکنجه متوسل شوند! و دو قطبی، توازن دوران جنگ سرد، بالاخره در مقابل دوربین در کمال خطر همان سوسیالیسم اردوگاهی و وقاحت اضافه کرد که "ما خودمان اتم داعیه های عدالت خواهانه آن اردوگاه، هم به هیروشیما زیم". و در خاتمه تنها لگام بود. حقوق بشر، حقوق کودک خاتم مجری برنامه برای جمع بندی و ممنوعیت شکنجه و دهها و دهها میزگرد با شادابی خاص برنامه های کنوانسیون و تعهد بین المللی قرار بود صبحگاهی بی بی سی، شماره تلفن در مقابل توسعه قطب مقابل، که وعده نظر سنجی را باز کرد که مردم اظهار نظر کنند که آیا موافق بکار گیری شکنجه اند، یا نه؟

بی بی سی اما این اولین بار نیست که پرچم دار اعلام تریبون برای رساندن صدای ارتجاعی ترین تعرض از اعماق جهالت بشر به ابتدایی ترین حقوقی است که در انواع کنوانسیون های بین المللی چون حقوق بشر و حقوق کودک و ممنوعیت شکنجه گنجانده اند. در برنامه های این توپخانه تبلیغی سوپر راست، یکی پس از دیگری در مورد، **نحوه** ممنوع کردن تعداد فرزندان هر خانواده از طریق بریدن حق و حقوق کودکان اضافه، **چگونگی** قطع درمان بیماران با فرصت محدود زندگی، **اهمیت** مشروط کردن درمان معتادین، **شکل** محدود کردن درمان بیماران روانی، **میزان** کاهش خدمات به بورژوازی "مترقی ترین و متمدن ترین زندانیان، **دامنه** تعرض به محرومینی که با مستمری تأمین اجتماعی زندگی میکنند، **محاسن** کاهش تسهیلات آموزشی، و **خواص** لگدمال کردن دهها و دهها حق پایه ای بشر، میزگرد و بدنبال آن تریبون نظرخواهی گذاشته

بازگشت طالبان بازگشت...

جداسازی همه جا و همه وقت و در یک کلام، یک جهنم راه میاندازند. آنچه باید مردم افغانستان و بویژه پیشروان و فعالین زن مورد توجه قرار دهند این است که چشم نداشتن به دولت دولتهای غربی و امید داشتن به دولت کرزی که نزدیک به یک دهه بی لیاقتی بیمارستان و هر جایی که حضور داشتند به باد کتک و توهین گرفته و زندانشان میکردند. زندگی زنان بحدی سخت و غیر قابل تحمل گردید که خودکشی، خودسوزی، افسردگی و بیماریهای روانی در میانشان بیداد میکرد.

در طی این دهه هم که در قدرت نبوده اند وضع زنان در حاکمیت کرزی میلیمتری تغییر کرده است. رسیدگی به قوانین زن سنتز اسلامی در کنار برقراری و چند همسری و تبعیض و نابرابری همچنان دست نخورده ماند و زنان بی حجاب هرگز نتوانستند با امنیت کامل در مجامع عمومی، محیط کار و مدراس لباس بپوشند. تنها در دو شهر هرات و کابل آتم بسیار با احتیاط بخشی از زنان جرات کرده اند که با مدلهای ساده تری از حجاب در شهر و خیابانها و محیط کار حضور داشته باشند. سیما سمر رییس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان میگوید که هنوز زنان به امکانات اولیه زندگی دسترسی ندارند. رشوه خواری ارگانهای دولتی در رابطه با پولهایی که بخشی از سازمانهای خیریه جهانی و یا حتی دولتها برای کمک به بهداشت عمومی و تحصیل کودکان میفرستادند آنقدر بالا گرفته که مردم خشمگین و تشکلهای زنان بارها دست به اعتراض زده اند. طالبان چه در دهه قبل حاکمیتشان و چه در این ۹ سال، بیشترین ویرانگی را برای زنان ببار آورده است. برآستی که هیچ سناریویی بنتر از زن بودن در افغانستان نیست.

نیا بد گذاشت که گروه طالبان قانون اساسی این کشور را به کتاب قصاص، خشونت و شکنجه علیه زنان تبدیل کند. باید جامعه بین الملل را واداشت که به قیمت مصالحه و سازش، سرنوشت انسانها بویژه زنان را به دست مثنی جنایتکار ندهند. آگاهگری در میان مردم زجر کشیده افغانستان و بویژه زنان امر مهمی است چنانچه هر درجه از آگاهی به نیروی خود میتواند پلی برای دفاع در مقابل گله های طالبان گردد. مردم افغانستان احتیاج مبرم به آرامش و امنیت دارند. به بهداشت، درمان، کار و مسکن احتیاج دارند، احترام و عزت نفس در آنها سالهاست که مرده است و باید دوباره به آنها باز گردد. کودکانشان به تحصیل و تغذیه مناسب نیازمندند. مردم از مجازات، اعدام، سنگسار، دخالت پلیسی، کتک کاری و بی احترامی بیزارند. در یک کلام خواهان یک زندگی انسانی اند و این حق آنهاست. هر دولتی که با

اخیرا هم در مناطق جنوبی به خیاطان مرد هشدار داده اند که اجازه ندارند از زنان اندازه لباس بگیرند و همزمان خیاط خانه های زنانه را بسته اند. بخشی از ملاهای مساجد از صدا و سیمای این کشور خواسته اند تا برنامه های اپرا و موزیک و رقص را تعطیل کنند. گله های مسلح این نیروی اسلامی سر راه مدارس دخترانه سبز میگردند و به امنیت و آذر میپردازند. دخترچه ها را به ترک تحصیل واداشته و تا به حال دهها مدرسه دخترانه را به آتش کشیده اند. با هر سانتی متری که به پلنخت نزدیک میشوند، یکی پس از دیگری احکام اسلامی را مستقر میکنند: سنگسار، اعدامهای علنی، فراری دادن زنان به کنج خانه ها،

کنگره چهارم حزب حکمتیست روزهای

۲۵ و ۲۶ سپتامبر بطور علنی برگزار

میشود.

برای اطلاع از چگونگی شرکت در

کنگره و برای دستیابی به نشریه

کنگره به سایت حزب مراجعه کنید

www.hekmatist.com

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

پارانه ها و گرو گرفتن...

بتوانند از آن بهره ببرند و به هرحال مجموعه مباحثاتی در این مورد، همزمان بحث بر سر این می شود که پارانه ها و مسئله سوسیدها بازار سیاه و قاچاقچیان و نتوایا هستند که دارند در این مورد سواستفاده می کنند و باز هم مسئله دیگری که مطرح می شود این است که می خواهند بررسی کنند که ببینند آیا مردم آمار دقیقی از خانواده هایشان ارائه کرده اند یا نکرده اند و پارانه ها به دقت پرداخت بشود، آیا این مسئله واقعاً مسئله دقت و سازماندهی هدفمند این مسئله و کش دادن امور اداری است یا ماجرا چیست ؟

خالد حاج محمدی: کل ماجرا قطع سوسیدها است، اینکه در چه بسته بندی تحویل مردم میدهند تنها تلاش برای مهندسی کردن افکار و فریب مردم است. وگرنه روشن است دولت میخواهد در مقابل جامعه مسئولیتی به عهده نگیرد. میخواهد قیمت ها را آزاد کند که معنی عملی آن چند برابر شدن مهمترین کالاهاى مورد نیاز مردم از نان و بلیط اتوبوس، تا شیر و بنزین است. و این فشار به طور واقعی فشاری است بر پلین جامعه، بر طبقه کارگر، و طرح عدالت اجتماعی در این میان حقه بازی و کلاشی دولت و نشانه اوج درنده خوئی و تلاش برای فریب مردم است. معلوم است کارگران که تنها منبع درآمدشان دستمزدشان است و این دستمزد را عملاً زده اند چون شیر، نان، بنزین و دارو و... همگی دو سه برابر افزایش قیمت می یابند. عملاً سطح معیشت طبقه کارگر را دارند میزنند، طرفی که صاحب سرمایه است که مشکلی برایش ایجاد نمی شود. این یورش به دستمزد کارگر و معیشت اقشار پایین جامعه را به نام کمک به آنها و عدالت اجتماعی ایجاد میکنیم و به مردم بی بضاعت پول میدهم تحویل مردم میدهند.

تازه اگر حالا پولی پرداخت کنند ماهیانه سی یا سی و شش هزار تومان است که حتی جبران افزایش قیمت نان را برای خانواده کارگری نمیکند. تازه برای همین پول ناچیز هزارویک قانون گذاشته اند، گفته اند هر کس درخواست پارانه کند باید متعهد شود هر نوع اطلاعات نادقیقی تحویل داده باشد، هر زمان بفهمند تمام پول پرداخت شده را پس میگیرند. با گرانی و قطع سوسیدها مردم را خانه خراب میکنند، هنوز پولی پرداخت نشده، کلی منت سر مردم میگذارند که دولت کمکشان میکند، و تازه پولی پرداخت نشده دارند دنبال مجرم میگردند.

طرح پارانه ها کشف دولت احمدی نژاد نیست. در دوره رفسنجانی این طرح طرح شد، در دوره خاتمی باز به میدان آمد ولی جرات اجرای آن را نداشتند. ، طراحان اصلی این طرح در غرب تاجر و ریگان و راست ترین احزاب بورژوازی است که سالها است به مرکز جدال جدی میان طبقه کارگر و بورژوازی و احزاب دست راستی در کشورهای غربی تبدیل شده است. خصوصی سازی و آزاد کردن قیمتها و عدم مسئولیت دولت در قبال شهروندان و زدن همه امکانات اجتماعی، رفاهیات و بهداشت و مدرسه و... شهروندان، سالیانست در خود غرب مرکز جدال است. اکنون دولت احمدی نژاد این طرح را میخواهد اجرا کند که به نظر من هم اجرای آن جرات می خواهد. معلوم است در مقابل چند ده میلیون انسان در این جامعه که اساس این طرح روی گرده آنها پیاده می شود و معیشت آنها را میزند، معلوم است جرات می خواهد. به همین دلیل قدم به قدم و آرام و نره ذره دارند این را به درون جامعه می برند و فضای جنگی و تحریم و همه ی اینها را سرهم کرده اند که فضای ایجاد کنند که در جامعه اعتراضی شکل نگیرد.

رادیو پرتو: چگونه دولت جمهوری اسلامی در این وضعیت اقتصادی بسیار بحرانی خودش می تواند این کار را انجام بدهد و به این اقدام بزند؟ مسئله نان به عنوان یکی از محوری ترین و گره های اصلی قطع سوسیدها مطرح شده است، همین سخنگوی دولت اعلام کرده است که شش و نیم میلیون نفر تحت پوشش کمیته های امداد قرار دارند، یعنی اینها با کمک های کوپنی روزمره دارند زندگی شان را سرپا نگاه میدارند و سه میلیون نفر دیگر در صف قرار دارند، دستمزدهای پرداخت نشده شامل میلیونها نفر کارگر می شود و همه ی اینها، دولت به چه زمینه ای و با چه پشتوانه ای دست به یک اینچنین عمل به اصطلاح شجاعانه ای به قول خودشان زنند؟ روی چه چیزی حساب باز کرده اند ؟

خالد حاج محمدی: چیزی که روی آن حساب باز کرده اند توان سرکوبشان و پراکندگی طبقه کارگر و مردم است. اهداف بسیار پلائی برای سرمایه داری پشت این طرح است و آن نیاز بازار و نیاز سرمایه داری در جامعه ایران است. برای اینکه بتوانند تولیداتشان را درون بازار جهانی ببرند و قیمت تولید شده را پلین بیورند، هزینه های اجتماعی را می زنند. دست مزد کارگر را از این طریق می خواهد بزنند، مالیتهای غیر مستقیم را عملاً بالا می برند که کمر اقشار پلین جامعه

را می شکنند و اینها بر بستر سرکوبی که کرده اند بر بستر زندانی که در جامعه ساخته اند و فضای که ایجاد کرده اند، ممکن است. مسئله اتمی و فضای جنگی و تحریم و کلی فضا که ایجاد کرده اند برای اینکه مردم را خفه کنند و کسی جرأت نکند حرفی بزند. در دوره جنگ هشت ساله شان همین وضعیت و فضای جنگی را تا جایی آوردند که طرف را وادار می کردند از سر کارش بیاید و چند ماهی در جبهه خدمت کند. جنگ و حمله خارجی را به فرصتی برای حمله به سطح معیشت طبقه کارگر کردند. الان هم همین فضا را ایجاد کرده اند. گفتم این برنامه ها اهداف پلائی برای بورژوازی دارد، آماري که خودشان داده اند آزاد سازی قیمت بنزین به عنوان یکی از اقلام پایه ای برای مردم، سالیانه صدویک میلیارد دلار برایشان سود دارد و این روی نوش مردم محروم است و به جیب سرمایه داران میرود. پشتوانه آن به طور واقعی روی تو چیز است، یکی فضای سرکوب و فضای جنگی که را انداختند و توان سرکوبشان است که دارند به رخ جامعه میکشند و دوم وضعیت واقعی و پراکندگی و عدم تشکل کارگر و وضعیت فلاکتباری است که الان در جامعه به مردم تحمیل شده است.

رادیو پرتو: سوال آخر من این است که رسانه ها و ناظران سیاسی و خود مردم، ایران را یک جامعه شورشی نام میبرند، توضیح اینکه چگونه می تواند کرد به استخوان مردم برسانند، نانش را ببرید و دستمزدش را پرداخت نکنید و در عین حال انتظار داشته باشید سرش را پلین بیندازد و همه چیز را قبول بکند خیلی سخت به نظر میرسد و می گویند تنها چیزی که می شود افق شورش های اجتماعی بیشتر و بیشتر در مقابل آن جامعه باز می شود، شما فکر میکنید اوضاع و احوال چطور می شود و پاسخ کارگر و مردم در مقابل این اوضاع چیست ؟

خالد حاج محمدی: جمهوری اسلامی بر یک آشفشان ایستاده است، تفر و ناراضیاتی عمیق است، کارگر کار میکند پولش را پرداخت نمی کنند، بخش اعظم جامعه زیر خط فقر است، روزها میلیاردها دلار صرف هزینه های حوزه علمیه و تسلیحات اتمی و حزب الله و داستگا تحمیق و ... می شود، در شرایطی که بخش اعظم مردم گرسنه اند، این طرح هنوز اجرا نشده کمر مردم را دارد می شکنند. قرار است از اول مهر این طرح اجرا شود ولی هم اکنون بخش اعظم میحتاج مردم چند برابر گران شده است. معلوم است فضا شورشی است و باید شورشی باشد،

*با تشکر از رفیق محمد فتوحی سرا که این مصاحبه را پیاده کرده است

مرگ بر جمهوری اسلامی!

مصطفی رشیدی

از وین تا اوین، از اواما تا

اسانلو

تب و تاب فضای سیاسی ایران و تلاطمهای جمهوری اسلامی بر کسی پوشیده نیست. شهر وین، پایتخت اتریش و از طرف دیگر زندان اوین، دو مرکز پر طپش این فضا را شکل میدهند. مذاکرات برنامه ریزی شده چند هفته بعتر در این شهر در حاشیه پرونده اتمی میتواند برای رژیم سرنوشت ساز باشد. اواما ریاست جمهور امریکا مرکز ثقل روند کشمکشهای حد این مسیر است. زندان اوین، سرکوب، دستگیریها، شکنجه و باز هم شکنجه قطب اصلی دیگر در فضای سیاسی ایران را شکل داده است. اوین همزاد این رژیم است. همیشه مورد اعتراض و خیرساز بوده است. اما کمتر موافقی را میشود سراغ گرفت که زندان اوین اینچنین در مرکز کشمکش و توجه قرار گرفته باشد. منصور اسانلو، يك سنبل گویا از چگونگی کارکرد این زندان، و يك چهره گویا برای کشمکشی است که رژیم را در دشوارترین محصله سیاسی در مقابل اعتراض مردم قرار داده است. هیچ شباهتی میان اواما و اسانلو نمیتوان سراغ گرفت. سرپل مستقیمی هم میان آنها وجود ندارد. اما مکت و توجه به کشمکشهایی که هر يك بنویسند خود در آن درگیر هستند، قانونمندی و روندهای آنها برای طبقه کارگر حیاتی است.

امریکا در راس دول غربی و تعداد بیشتری از دولتهای متحد دست به خزرخه جمهوری اسلامی گذاشته اند. توطئه، هنوز کلمه گویایی برای مجموعه اقدامات علیه رژیم نیست. شریکهای اقتصادی اش را فشرده اند، هر روز طرحهای نظامی تازه تری افشا میشود، جنگ، آلتراویو جدی ای است که يك روز در میان تصویر ترسناک و ویرانگری از آن بدست داده میشود. فضای جنگی در بهیوه شایعات، افشاگریها، تهدیدها و نقل و انتقالات واقعی نظامی سنگین تر میشود. جمهوری اسلامی در آستانه پیشرفتهای تعیین کننده در برنامه های اتمی خود، و در عین حال ژیمی در بستر بیشترین کشمکشهای جناحها و در مقابل مردم؛ با سماجت تمام در دلانتهای سیاسی کاخ سفید جا خوش کرده است. دولت امریکا هرگز به اندازه امروز در اجرای تهدیدات خود علیه رژیم ایران ثابت قدم نبوده است. جمهوری اسلامی هرگز اینقدر گستاخ و پر تهدید نبوده است. اما در نگاهی

دقیقتر تشخیص همزیستی و مسالمت در هر دو طرف ایدا نشوار نیست. از ذره ذره این کشمکش بوی سازش و توافق است که بچشم میخورد. صیفندی و

دشمنی این دو اردو در مقابل یکدیگر و ...

واقعی و عمیق است. اما هربار که دشمن را به همورد میبلیند، بیشتر از شکست حریف، خواهان سازش و همزیستی در موقعیت و توازن قوای بهتر هستند. هر چه بیشتر تهدید میکنند، به همان اندازه راه مذاکره و رفع تشنج را بر روی حریف باز میگذارند. جنگ اینها يك فاجعه تمام عیار برای مردم است و از طرف دیگر، يك بالانس قابل قبول طرفین هر چه که باشد، قطعا منافع کارگر و مردم زحمتکش و آزادیخواهی در ایران را با خود حمل نخواهد کرد. در میان دوستان جنید و قدیم امریکا لیست بلند بالایی از مرتجع ترین و سرکوبگرترین دولتها در جلوی چشم ما رژه میروند، دولتهایی که دستگیری و شکنجه رهبران کارگری سنگ بنای حکومتشان است. دوری و نزدیکی جمهوری اسلامی به این لیست، بطریق اولی برای توده زحمتکش ایران فرجه ای بسمت تغییری در جهنم موجود نیست.

جنگ، بمعنای اخص کلمه اما در ایران در جریان است. زندان اوین شاخص گویای جنگی است که جمهوری اسلامی در آن سنگ تمام گذاشته است: جنگ علیه طبقه کارگر! سرنوشت منصور اسانلو سنبل تمام عیار این جنگ است. روز روشن دسمتزد کارگر را مصادره میکنند، زندگی آنها را با فقر و نیستی گره میزنند، اعتراض را با گسیل نیروی ضربت جواب میدهند، رهبران و سخنگویانش را روز روشن میزنند، به زندان میبرند، شکنجه میکنند، و باز هم در روز روشن عسرت از او میسازند. صدها سال است که چنین رفتارهای با سربازان دشمن و با ساکنان مناطق مغلوبه، اکیدا ممنوع است. به آن توحش لقب داده میشود و داغ لعنت تاریخ را بر خود میگیرد.

هفته گذشته در پایان مدت حبس قبلی، در يك نمایش نفرت انگیز و قلدرانه، مدت زندان منصور اسانلو یکسال دیگر تمدید شد. میشود نشست و محاسبه کرد که در قاموس رژیم ایران چند نفر، چند متخصص و مامور، چند اداره، چند قاضی، چند شکنجه گر و چند جیره خور در طول سالهای اخیر فکر کرده اند، جلسه گرفته اند، پول خرج کرده اند که منصور اسانلو را تعقیب کنند، جاسوس سازمان بدهند، برایش پرونده بسازند، چاقو کش و لمپن سراغ سنندیک بفرستند، توطئه بچینند، دستگیر کنند، شکنجه کنند، دارو و مداوایش را به بازی بگیرند، سناریو دادگاه ترتیب بدهند، سنونهای روزنامه ها را با دقت

پر کنند، مقامات ریز و درشت را توجیه نمایند، جواب سربالا به نهادهای بین المللی راست و ریس کنند و تازه بعدا سراغ اعضای خانواده اش بروند

در اعماق معدن، در انتظار..

سود آنها و تولید طلا نباید متوقف شود حتی به قیمت گرفتن جان تولیدکنندگان آن.

امروز ما همسرنوشتان کارگران معدن، همراه خانواده و بستگان آنها و طبقه کارگر شبلی، در ماتم و انتظار هستیم، ما همگی چشم امید به نجات این عزیزان دوخته ایم و همراه کل طبقه کارگر و بشریت متمنن بر این نظم ضد کارگری و توحش در شبلی و دنیا نگاه کرده و نرفتت خواهیم کرد. کارگران شبلی باید نجات پیدا کنند، این خواست همگی ماست. روز ۲۳ اوت با پخش خبر سلامتی آنها خیابانهای شبلی مملو از جمعیتی شد که با شادی و سرور خبر سلامتی ۲۳ کارگر معدن را جشن گرفتند.

این اتفاق همراه صدها مورد دیگر بخشی از شرایط زندگی برده وار طبقه ماست. يك روز در چاه آب در شهر میانه بر اثر ریزش سنگ جان تعدادی گرفته میشود، روز دیگری در کارخانه مواد پلاستیکی زنان و مردان کارگر میسوزند، روز بعد در معدن چین و روزی هم در معدن کرمان گلوله باران میشوند.

بی شک کارگران دربند، خانواده و بستگان آنها هزار بار به این زندگی لعنتی و سهم جهنمی خود لعنت می فرستند، پیش به خود میگویند اگر نجات پیدا کنند، هیچوقت به جهنم معدن بر نخواهند گشت. اما خود نیک میدانند، تاملین زندگی و نجات از فقر و محرومیتی که به طبقه ما تحمیل شده است، ناچارا باید بعد از این تجربه ترسناک باز هم به معدن باز گردند. استخراج طلا و مس نباید متوقف شود! مگر اینکه نظم و مناسبات ظالمانه سرمایه داری را بر سر حاکمان آن خراب کرد و جامعه ای انسانی را بر ویرانه های آن ساخت. این تنها راه نجات است.

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

www.radiopartow.com

۱۳ اوت ۲۰۱۰

زنده باد سوسیالیسم